

## معاونت در جرم

سید محمد موسوی بجنوردی<sup>۱</sup>

**چکیده:** معاونت در جرم در فقه و حقوق اسلامی مساوق معصیت و گناه است. نگارنده در این مقاله به عناصر سه گانه تحقق جرم، عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر روانی پرداخته است و سپس شرایط تحقق معاونت در جرم را به طور مفصل بیان نموده است.

همچنین در این مقاله درباره مجازات معاونت در جرم طبق ماده ۸ قانون مجازات عمومی و ماده ۱ قانون مجازات اسلامی توضیح داده شده است. در پایان به آیات و روایات وارده، حکم عقل و اجماع مبنی بر حرمت معاونت در جرم و اثم اشاره شده است.

**کلید واژه‌ها:** معاونت در جرم، سه گانه تحقق جرم، عنصر قانونی، عنصر مادی، عنصر روانی.

جرم در فقه اسلامی و قانون همان گناه و معصیت است و معاونت در جرم همان معاونت بر اثم و گناه است. در این گفتار، از چشم‌انداز قانون ایران، معاونت و عناصر سه‌گانه آن را مورد بحث قرار می‌دهیم.

---

۱. مدیر گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم.

معاونت در جایی تحقق می‌یابد که فرد یا افرادی بدون اینکه در تحقق فعل مجرمانه دخیل باشند، در سایر مراحل مختلف جرم، ایفای نقش می‌کنند؛ مانند کسی که ابزار و آلات جرم را مهیا کند و در اختیار مباشر یا شرکای جرم قرار دهد و یا اینکه مجرمان را در نیل به اهدافشان ترغیب و حتی تهدیدشان کند و موارد دیگری نظیر آن.

برای معاونت در جرم همانند خود جرم وجود سه عنصر ضروری است. ابتدا خلاصه این عناصر سه‌گانه و سپس تفصیل آن توضیح داده خواهد شد.

### عنصر قانونی

نخست، عنصر قانونی است؛ یعنی زمانی عنوان معاونت صدق می‌کند که موارد آن در قانون آمده باشد. همان‌طوری که در جرم این عنصر نقش بسزایی در متهم کردن مرتکب و تعقیبات قانونی او دارد.

### عنصر مادی

دوم، عنصر مادی جرم و معاونت در جرم است؛ یعنی صرف قصد گناه و معصیت و جرم برای اثبات جرم کافی نیست، بلکه مجرم علاوه بر قصد، باید آن را به عرصه ظهور برساند. در فقه اسلامی در این رابطه روایات زیادی وارد شده است.

### عنصر روانی

سوم، عنصر روانی جرم و معاونت در جرم است؛ یعنی شخص اراده ارتکاب آن عمل را هم داشته باشد. مثلاً در قتل عمد، قاتل باید عامد و قاصد باشد و همین امر (عنصر روانی) در عبادات، عقود، ایقاعات و در همه اعمال حقوقی نقش اصلی را ایفا می‌کند.

سه عنصر یاد شده در قانون مجازات اسلامی برای معاونت در جرم، مد نظر قرار گرفته است و شرایط تحقق معاونت در جرم را منوط و مشروط به وجود عناصر سه‌گانه می‌داند، در بحث فقهی نیز همین مطالب به چشم می‌خورد.

چیزی که نظر حقوقدانان را در بدو امر به خود جلب می‌کند، مستقل بودن معاونت و یا عدم استقلال آن به عنوان یک جرم است. به زعم عده‌ای معاونت، جرم مستقلی است و در باور برخی معاونت، جرم غیرمستقلی است. آنچه که در اینجا یادآوری آن به نحو اختصار ضروری است عقیده و دیدگاه قانونگذار ایرانی در این قضیه است. اگر بند نخست ماده ۲۱ قانون درباره مجازات اسلامی را مورد توجه قرار دهیم درمی‌یابیم که قانونگذار، معاونت را به عنوان جرم مستقلی نپذیرفته است. اما با توجه به تبصره ماده قانون یاد شده که وجود وحدت هدف، قصد مباشر و معاون، همچنین تقدم و اقرار زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم را، شرط صحت معاونت قرار داده است و ماده ۲۲ قانون یاد شده که مقرر می‌دارد: «در صورتی که مباشر جرم، به جهاتی قابل تعقیب یا مجازات نباشد و یا اینکه اجرای حکم به جهتی از جهات قانونی درباره او موقوف گردد، تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم نخواهد داشت.» معاونت به عنوان جرم مستقل پذیرفته شده است.

در بخش «جرایم علیه اشخاص و اطفال» قانون تعزیرات تهیه وسایل ارتکاب جرم یا ارائه طریق آن، به عنوان جرم مستقل پذیرفته شده و معاون آن به جرم معاونت قابل مجازات است. مثلاً در ماده ۹۰ آمده است: «هرکس زن حامله را دلالت بر استعمال ادویه و یا وسایل دیگری که موجب سقط حمل گردد، بنماید؛ به سه الی شش ماه حبس محکوم خواهد شد.»

یا در ماده ۹۱ آمده: «اگر زن حامله برای سقط جنین به طبیب و یا قابله مراجعه کند و طبیب هم عالماً و عامداً مباشرت به اسقاط جنین بنماید، دین جنین به عهده اوست و اگر او را به وسایل اسقاط جنین راهنمایی کند، به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.»

در برخی از موارد نیز اخفای اشیای مسروقه به عنوان جرم مستقل پذیرفته شده، چنان‌که در ماده ۱۱۰ قانون مورد اشاره آمده است: «هرکس با علم و اطلاع یا با وجود قراین اطمینان‌آور به اینکه شیئی در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده، آن را به نحوی از انجا تحصیل یا مخفی یا قبول نموده یا مورد قبول قرار دهد، به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد. در صورتی که متهم، معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده یا با داشتن شغل دیگری به این کار نیز اشتغال داشته باشد، دادگاه او را به یک تا دو سال حبس محکوم می‌نماید.»

بنابراین قانونگذار ایرانی نه به نحو اطلاق، مستقل بودن آن را نفی کرده و نه مطلقاً آن را پذیرفته است، بلکه این معاونت بستگی به نوع جرم شرایط تحقق آن دارد.

### عناصر سه گانه برای معاونت در جرم

اکنون به گونه‌ای مبسوط به شرح عناصر معاونت در جرم می‌پردازیم.

#### تفصیل عناصر مادی و قانونی

مطابق ماده ۲۱ قانون راجع به مجازات اسلامی، معاونت زمانی قابل مجازات است که یکی از موارد آمده در قانون را به عرصه ظهور برای فعلیت بخشیدن به عمل مجرمانه‌ای درآورد و آن عبارت است از: ۱- تحریک؛ ۲- تهدید؛ ۳- ترغیب؛ ۴- تطمیع؛ ۵- دسیسه، فریب، نیرنگ؛ ۶- تهیه وسایل ارتکاب جرم؛ ۷- ارائه طریق ارتکاب جرم؛ ۸- تحصیل ارتکاب جرم، که در بندهای اول، دوم و سوم ماده یاد شده آمده است. اینک به گونه‌ای فشرده به این موارد اشاره می‌شود.

۱- تحریک: اگر کسی که بدون شرکت در عملیات اجرایی، فرد دیگری را به عناوین مختلف از قبیل وعده، وعید، مقدمه چینی و امثال ذالک مصمم به ارتکاب جرم نماید، درواقع تحریک نموده است.

۲- تهدید: ترساندن و بیم دادن است؛ یعنی شخص از راه ترس جانی یا مالی و یا حیثیتی، دیگری را به عملی مجرمانه وادار نماید. تهدیدکننده می‌تواند مکره باشد که شخص را وادار می‌کند تا صدمات مالی یا جانی را به شخص ثالثی وارد نماید که این عمل به عنوان سبب در جرم تلقی می‌گردد. البته معاون و سبب دو چیز هستند، همان طوری که از تعریف آن دو این مطلب بدیهی به نظر می‌رسد و اجتماعشان در مصادق یا مصادیقی موج اتحاد مفهومی آن دو نمی‌گردد.

۳- ترغیب: پدیدآوردن شوق مؤکد و اراده در دیگری است. به نظر می‌رسد که تأثیر ترغیب از تحریک کمتر باشد، ولیکن این موجب سلب مسئولیت کیفری از ترغیب‌کننده

نمی‌شود. اگر برای دادگاه نفوذ کلام و ایجاد علاقه از جانب او به دیگری ثابت شد، او را به عنوان معاون جرم می‌شناسد.

۴- **تطمیع:** همان تحریک حس<sup>۲</sup> نفع‌طلبی اشخاص است؛ یعنی اینکه آنها را به طمع بیندازد. تقریباً تطمیع نوعی ترغیب است، با این تفاوت که در تطمیع، انگیزه‌ای است که باعث مصمم شدن دیگری به ارتکاب جرم می‌گردد و بیشتر جنبه مادی و مالی دارد ولی ترغیب به ارتکاب جرم، ممکن است به صورت مادی یا معنوی باشد. [لغت‌نامه حقوق جزا مسئولیت کیفری: ۶۹].

۵- **دسیسه، فریب، نیرنگ:** فریب و نیرنگ به معنی مکر و حيله است و دسیسه همان حيله و مکر پنهانی و غیر علانیه است.

۶- **تهیه وسایل ارتکاب جرم:** در بند دوم ماده ۲۱ قانون درباره مجازات اسلامی آمده: «هرکس با علم و اطلاع وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب شدن ارائه دهد»، یکی از مصادیق معاونت به شمار می‌آید. نکته ای که باید به آن توجه کرد، اینکه تهیه وسایل همگام با تدارک عناصر یعنی علم و اطلاع باشد وگرنه بر فرض جهل به موضوع، معاونت بر او صدق نمی‌کند.

۷- **ارائه طریق ارتکاب جرم:** در بند دوم ماده یاد شده، کسی که از روی علم و اطلاع، مباشر جرم را در استفاده از وسایل و ابزار و آلات راهنمایی کند، در شمار معاون جرم شناخته می‌شود که نمونه‌ای از آن در مواد ۹۰ و ۹۱ قانون تعزیرات آمده است.<sup>۱</sup>

۸- **تسهیل ارتکاب جرم:** آخرین مصداقی که در قانون درباره مجازات اسلامی در مورد معاونت در جرم آمده بند سوم ماده ۲۱ است که می‌گوید: «هرکس عالماً، عامداً وقوع جرم را

۱. در بخش «جرایم علیه اشخاص و اطفال» قانون تعزیرات ماده ۹۰ آمده: «هرکس زن حامله را دلالت بر استعمال ادویه یا وسایل دیگری که موجب سقط حمل گردد، بنماید؛ به سه‌الی شش ماه حبس محکوم خواهد شد». و در ماده ۹۱ آمده: «اگر زن حامله برای سقط جنین به طبیب و یا قابله مراجعه کند و طبیب هم عالماً و عامداً مباشرت به اسقاط جنین بنماید دین جنین به عهده اوست و اگر روح در جنین دمیده شده باشد، باید قصاص شود و اگر او را به وسایل اسقاط جنین راهنمایی کند، به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود».

تسهیل کند مانند کسی است که در بیرون از محل سرقت کمین می‌کند و با صدای مخصوص و یا حرکات خاصی سارق را از آمدن پاسبان یا صاحبخانه مطلع می‌سازد. پس کسی که طریقی و راه را برای قاتل یا سارق هموار می‌کند مُعین و رَدءِ مدد رسان آنها می‌باشد و کسی که مجنسی علیه را به محل حادثه هدایت می‌نماید و سپس او را ترک می‌کند تا اینکه دیگری او را بکشد و یا اموال را سارق ببرد او معین و رَدءِ به حساب می‌آید. کسی که خارج محل سرقت ایستاده تا جانی یا سارق را در نقل مسروقات کمک بکند، او هم معین می‌باشد [التشريع الجنائی ج ۱: ۳۸].

### تفصیل عنصر روانی

در بحث عنصر روانی، تفکیک جرایم عمدی از جرایم غیر عمدی، ضروری است. چون در جرایم عمدی توافق و وحدت قصد قبلی بین مباشر و معاون او، امر طبیعی به نظر می‌رسد و بین حقوقدانان اختلافی نیست. اما در جرایم غیر عمدی به نظر برخی از حقوقدانان به دلیل نقد قصد و توافق قبلی، معاونت در جرم مورد پیدا نمی‌کند.

قانونگذار ایرانی دربارهٔ عنصر روانی در جرایم عمدی، اظهار می‌دارد: هر کس با علم و اطلاع وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد، یعنی وجود قصد مجرمانه یا سوء نیت معاون جرم را از شرایط معاونت قابل مجازات در جرایم می‌داند. به عبارت دیگر، معاون باید با علم و اطلاع و عالماً و عامداً (بند سوم ماده ۲۱) یکی از موارد پیش‌بینی شده در قانون را (ماده ۲۱) انجام دهد تا قابل مجازات باشد. بنابراین اگر کسی اسلحهٔ شکاری را به قصد سیر و سیاحت و شکار مجاز در اختیار دیگری قرار دهد و او با این وسیله فرد ثالثی را به قتل برساند، از آنجایی که قصد مجرمانه‌ای در کار نبوده، صاحب اسلحه قابل مجازات نیست. نکته‌ای که تبصرهٔ ماده ۲۱ در ذیل بند سوم بدان توجه می‌دهد، اینکه میان مباشر و معاون، وحدت باید وجود داشته باشد و این وحدت یا باید مقارن با انجام عمل ارتكابی باشد و یا مقدم بر آن. بنابراین اگر بعد از ارتکاب جرم این وحدت حاصل آید، معاونت صدق نمی‌کند.

در جرایم غیر عمدی ممکن است گفته شود شخص مباشر اصلی فاقد قصد مجرمانه است، پس به طریق اولی معاون جرم نمی‌تواند در رفتار و کردار خود به عنوان معاون در جرم قاصد باشد.

### شرایط تحقق معاونت در جرم

بر مبنای تبصره ماده ۲۱ قانون راجع به مجازات اسلامی: «برای تحقق معاونت در جرم، وجود وحدت قصد، تقدم و یا اقتران زمانی میان عمل معاون و مباشر جرم شرط است». وحدت قصد، تقدم و یا اقتران زمانی قصد بین عمل معاون و مباشر، جزء شرایط تحقق معاونت در جرم می‌باشد و افزون بر آن، شرایط دیگری نیز وجود دارد که به آن اشاره خواهد شد.

۱- **وحدت قصد:** شرط نخست تحقق معاونت در جرم، وجود وحدت قصد بین معاون و مجرم اصلی است، حال اگر وحدت قصد در اتیان عمل مجرمانه فراهم نباشد، معاون به او اطلاق نمی‌گردد و نمی‌توان مرتکب را به جرم معاونت تحت پیگرد قانونی قرار داد. به عنوان نمونه، شخصی اسلحه‌اش را برای امر مجاز به دیگری می‌دهد ولیکن او آن را برای کشتن فرد بی‌گناهی به کار می‌برد. در این فرض به علت عدم وجود وحدت قصد بین مجرم اصلی و مرتکب، معاونت صدق نمی‌کند.

۲- **تقدم و یا اقتران زمانی قصد، بین عمل معاون و مباشر:** شرط دوم در تحقق معاونت، وحدت قصد قبل از ارتکاب عمل مجرمانه و یا هم زمان با آن عمل است. بنابراین اگر تهدید، تطمیع، تحریک، ترغیب، دسیسه، فریب، نیرنگ، تهیه وسایل ارتکاب جرم، ارائه طریق ارتکاب جرم و یا تسهیل وقوع جرم بعد از عمل مجرم اصلی صورت گیرد، معاونت جرم تحقق پیدا نمی‌کند.

۳- **وقوع جرم اصلی:** شرط سوم در تحقق معاونت این است که عمل مجرمانه در خارج تحقق پیدا کند. بنابراین اگر مباشر فقط در مرحله قصدی باشد که جرم تلقی نمی‌شود و یا در مرحله تهیه مقدماتی باشد که از نظر قانون جرم نباشد، معاونت در این امور هم جرم نیست

مگر اینکه قانون آن عمل را یک جرم جداگانه‌ای بداند که در این فرض از دایرهٔ مربوط به مقررات معاونت خارج است.

۴- جرم بودن اصل عمل: شرط چهارم این است که اصل عمل ارتكابی واقعا جرم باشد. حال اگر اصل عمل، جرم نباشد؛ معاونت در آن هم جرم نخواهد بود. مثلاً اگر کسی، شخص مهدورالدمی را به هلاکت برساند و فرد یا افرادی او را در این امر مساعدت کنند، از آنجا که اصل عمل جرم نیست، معاونت در آن هم جرم تلقی نمی‌شود. اما اگر به نحوی از انحا مجرم اصلی تبرئه شود، نظیر گذشت شاکی یا مدعی خصوصی و یا هر عاملی که موجب عدم مسئولیت کیفری او شود مانند: جنون، صغر سن، فوت و ... موجب عدم مسئولیت معاون یا معاونین نخواهد شد.

در همین رابطه مادهٔ ۲۲ قانون دربارهٔ مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «در صورتی که فاعل جرم به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات نباشد یا تعقیب و یا اجرای حکم مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد، تأثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت».

۵- عدم دخالت در عملیات اجرایی: کسانی که در ارتكاب عمل مجرمانه تباہی کنند، اگر قانونگذار نفس عمل معاونین را جرم مستقلی نداند، در صورتی معاونین به جرم معاونت تعقیب می‌شوند که در عملیات اجرایی دخالت نداشته باشند.

۶- پیش‌بینی جهات معاونت در قانون: ششمین و آخرین شرط برای تحقق معاونت این است که عمل معاونت در زمرهٔ مواردی باشد که در قانون پیش‌بینی شده است؛ نظیر تحریک، ترغیب، تطمیع و در صورتی که در قانون نباشد و خواسته باشند معاون را به جرم معاونت مؤاخذه و مجازات نمایند، با اصل مسلم و بدیهی قانونی بودن جرم منافات دارد که بحث تفصیلی آن در جای خود مذکور است.

آنچه حائز اهمیت است، اینکه قانونگذار فقط در تعزیرات برای معاونت مجازات تعیین نموده و در جرایم دیگر مانند حدود، قصاص و دیات اشاره‌ای نکرده است.



## مجازات معاونت

با نظری گذرا به قانون مجازات عمومی در دوره سابق و قانون دوره حاضر راجع به مجازات اسلامی، مجازات معاونت مشخص می‌گردد.

در ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ آمده است: «مجازات معاونت در جنحه یا جنایت مجازات در ارتکاب آن است، ولی دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال و میزان تأثیر عمل معاون، مجازات را تخفیف دهد».

ماده ۲۱ قانون راجع به مجازات اسلامی بر اساس بندهای سه‌گانه، مرتکب را معاون تلقی می‌کند و او را قابل تعزیر می‌داند. در بند اول آمده: «هرکس بر اثر تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع کسی را مصمم به ارتکاب جرم نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود؛ و در بند دوم آمده است: «هرکس با علم و اطلاع وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد؛ و در بند سوم آمده است: «هرکس عالماً، عامداً وقوع جرم را تسهیل کند». برای تعزیر معاون باید به تعریفی که در فصل دوم راجع به جرایم و مجازاتها، ماده ۱۱ قانون راجع به مجازات اسلامی آمده، توجه کرد که مقرر می‌دارد: «تعزیرات، تأدیپ و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس، جزای نقدی و شلاق که بایستی از مقدار حد کمتر باشد».

ماده ۲۲ فصل ششم قانون مورد اشاره، به این نکته توجه می‌دهد که هیچ ملازمه‌ای بین مجازات مباشر با مجازات معاون نیست به این صورت که عقوبت و مؤاخذه معاون متوقف بر مجازات مباشر باشد. ممکن است به جهتی از جهات، قانون قرار موقوفی تعقیب مباشر صادر گردد، ولیکن تأثیری در حق معاون نداشته باشد و یا به دلایل قانونی سلب مسئولیت کیفری بشود اما معاون همچنان تحت پیگرد قانونی باشد.

### معاونت در جرم در حقوق اسلامی

معاون کسی است که در نفس فعل مجرمانه نقشی ندارد، لیکن امکانات را برای تحقق فعل اصلی توسط مجرم فراهم می‌آورد و راه را هموار و تسهیلات لازم را برای مباشر یا سبب جرم تدارک می‌بیند. در کتاب التشریح الجنائی آمده:

*المعين فلا يباشر نفس الفعل ولا يحاول مباشرة، وإنما يعين المباشِر  
بأفعال لا صلة لها بذات الفعل المُعْرَم و لا تعتبر تنهيداً لهذا الفعل [ج ۱:  
۱۳۶۹]*

آنچه مسلم است، اینکه در حقوق اسلامی معاونت در جرم با اصطلاحاتی نظیر اعسانت یر اثم، اعانت ظالمان، اعانت أعوان ظلمه مطرح است و برای کیفر آن نص خاصی وجود ندارد و همانند دیگر معاصی و جرایم که برایشان کیفر خاصی وجود ندارد و فقط معاون یا معاونین در جرم تعزیر می‌شوند. مانند کسی که می‌خواهد دیگری را به قتل برساند یا مضروب سازد و شخصی سلاح گرم یا سلاح سرد در اختیار او بگذارد، یا اینکه می‌خواهد مواد الکلی و شراب درست کند و او امکانات را برایش مهیا کند. به عنوان نمونه انگور باغش را به او بفروشد و یا اینکه خانه و مغازه‌اش را به او اجاره دهد به قصد ساختن شراب.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت اینکه به چه دلیل معاونت در جرم از جمله جرایمی است که کیفر آن تعزیر است و به اصطلاح فقهای عظام (قده) «بما یراه الحاکم» می‌باشد؟ به واقع معاونت در جرم چرا در زمره جرایمی نیست که مجازات و عقوبت آن قصاص، حدود و دیات است؟

به اجمال باید گفت جرایمی که مجازات آن حدود، قصاص و دیات است؛ دارای خصوصیات و شرایطی است که جرایم تعزیری فاقد آن هستند و در شریعت مقدس اسلام جایگاه ویژه خاصی دارد و مسئولیت کیفری و یا مدنی برخی از آنها متوجه مباشر می‌شود و در صورت اجتماع سبب و مباشر و اقوی بودن سبب از مباشر، مسئولیت جزایی و یا مدنی متوجه سبب می‌شود؛ یعنی کسی که در واقع عمل مجرمانه یا اتلاف مال به او نسبت داده می‌شود و در حکم مباشرت تلقی می‌گردد. اما در معاونت اینگونه نیست که تحقق فعل اصلی

منوط و مشروط به وجود آن باشد؛ ممکن است فعل مجرمانه بدون دخالت معاونت، تحقق پیدا کند یا بالعکس با وجود معاونت جرم اصلی به فعلیت نرسد.

## ادله حرمت معاونت بر جرم و اثم

### الف. آیات

خداوند سبحان در بخشی از این آیه می‌فرماید: «ولاتعاونوا علی الاثم و العداوان.» [مائده: ۲] در گناه و ستمکاری و دشمن‌ورزی مددکار نشوید. برخی ایراد گرفته‌اند که این آیه بر حرمت اعانت در راه اثم و عدوان دلالت دارد و غیر از تعاون است. اعانت این است که کسی دیگری را یاری دهد ولی تعاون عبارت است از همکاری دو یا چند نفر یا یک گروه با یکدیگر. به تعبیر دیگر، تعاون از باب تفاعل است و نیاز به دو فاعل دارد.

در پاسخ باید اظهار داشت که خداوند امر به تعاون بر پر و تقوا کرده است و همچنین از تعاون بر اثم و عدوان نهی فرموده است. این همه به اعتبار فعل واحد یا قضیه واحده و یا واقعه واحده نیست بلکه خطاب به عموم مسلمانان و مومنان است که هر کدام دیگری را در پر و تقوا یاری دهد ولی در اثم و گناه مساعدت و کمک ننماید. بنابراین اطلاق لفظ تعاون به اعتبار مجموع قضایاست نه به عبارت یک قضیه واحده یا فعل واحد. به عنوان مثال: اگر زید، عمرو را در انجام کاری کمک کند و عمرو هم زید را در کار دیگر کمک نماید تعاون انجام شده؛ یعنی با اینکه زید عمرو را اعانت کرده همچنین عمرو، زید را یاری داده است، ولی می‌بینیم که تعاون هم بر آن دو صادق است. در حالی که نفس فعل انجام شده یکی نیست بلکه دو فعل است و برای تعاون احتیاج به یک فعل داریم، نه دو فعل. بنابراین تعاون شامل معنای اعانت هم می‌شود و انصافاً آیه در دلالتش قصوری ندارد، اگرچه لفظ تعاون که از باب تفاعل است و نیاز به دو فاعل دارد، آورده شده اما شامل معنای اعانت هم می‌شود [الموسوی البجنوردی ج ۱].

## ب. روایات

در این رابطه روایات زیادی نقل شده است که به عنوان نمونه به گفتاری از پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌شود: «من أغان علی قتل مسلم ولو بشر کلمة جاء یوم القیامة مکتوباً بین عینیه آیس من رحمة الله» [مبوط ج ۶: ۲۸۵].

کسی که در کشتن فرد مسلمانی حتی اگر در نوشتن کلمه و عبارتی مساعدت کند، در روز قیامت به گونه‌ای برمی‌خیزد گویی که بر پیشانی او نوشته شده مایوس از رحمت پروردگار مهربان.

یا این حدیث شریف عن أبي عبدالله<sup>(ع)</sup> قال رسول الله (ص): «من أكل الطین فعات فقد أغان علی قتل نفسه» [مکاسب: ۱۷].

کسی که گلی بخورد و بعد بمیرد، کمک به خودکشی خود کرده است. افزون بر این روایات مستفیضه مبنی بر حرمت اعانت ظلمه و اعوان ظلمه و تهیه مقدمات ظلم آنهاست که در گفتار بعدی می‌آید.

## پ. حکم عقل

عقل مستقل است از قبیح بودن کمک و مساعدت بر اتیان فعلی که مبعوض شارع مقدس است و یا چیزی که در آن مفسده‌ای باشد. زمانی که عقل آدمی به طور مستقل چنین فعلی را قبیح پندارد، به دلیل قاعده ملازمه: «کلماً حکم به العقل، حکم به الشرع» در شریعت نیز چنین فعلی قبیح خواهد بود و شخص اعانت کننده هم مبعوض شارع مقدس خواهد بود.

## ت. اجماع بر حرمت اعانت پرائم

لکن این اجماع مدرکی است و ارزش فقهی ندارد و کشف قطعی از رأی معصوم<sup>(ع)</sup> نمی‌شود [الموسوی البجنوردی ج ۱: ۳۰۸] و در همین رابطه سلا احمد نراقی - قدس سره - می‌گوید: «بر حرمت اعانت روایات مستفیضه و اجماع علماست و فقها در موارد گوناگون و در احکام عدیده بدان استدلال کرده‌اند» [هواید الايام: ۲۶].

### شان نزول آیه «ولاتعاونوا علی الاثم و العداون»

امام باقر<sup>(ع)</sup> درباره آیه «ولاتعاونوا علی الاثم و العداون» می‌فرماید این آیه درباره مردی از بنی ربیعہ نازل شده است به نام حطم [تفسیر مجمع البیان ج ۶: ۱۸۸]. حطم ابن هند بگری برای دیدار پیامبر گرامی اسلام به مدینه آمد. وی اسپش را خارج از مدینه رها کرد و خود خدمت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> رسید. پیامبر پیش از ورودش فرمود: امروز مردی از بنی ربیعہ به سوی شما می‌آید که از زبان شیطان سخن می‌گوید. هنگامی که حطم وارد مجلس شد و به پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> گفت: تو مردم را به چه دعوت می‌کنی؟ پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> پاسخ او داد. حطم اظهار داشت: مرا مهلت ده، شاید اسلام آورد. من باید در این موضوع با اشخاص مشورت کنم. آنگاه حطم از مجلس خارج شد. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> فرمود: «او با کفر نزد ما آمد و با عذر و نیرنگ از پیش ما رفت». حطم پس از خروج از مدینه، به تعدادی از گوسفند برخورد، در حالی که رجز می‌خواند آنها را به سرقت برد.

سال دیگر در حالی که قریانیان قلاده به گردن به همراه داشت، به زیارت خانه خدا آمد و پیامبر گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> می‌خواست کسانی به سوی او بفرستند. از این رو این آیه نازل گردید. ابن زید می‌گوید این آیه در روز فتح مکه درباره مشرکین نازل شد که به قصد زیارت خانه خدا آمده بودند و عمره به جای می‌آوردند. مسلمانان به پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> عرض کردند: اینها نیز مانند دیگر مشرکان هستند، اجازه دهید به آنها حمله‌ور شویم. از این رو خداوند این آیه را نازل فرمود. چنین برداشتهایی قریب به همین مضمون در تفاسیر آمده است.

این آیه مبارکه از آخرین دستوراتی است که بر پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در سال دهم هجری نازل شده است و مشتمل بر چند دستور مهم اسلامی می‌باشد که بیشتر آن مربوط به حج است.

### منابع

- التشریح الجنائی.

- تفسیر مجمع البیان.
- عواید الایام.
- لغت نامه حقوقی جزا.
- مبوط.
- مکاسب.
- الموسوی البجنوردی، آیت الله العظمی السید میرزا حسن، القواعد الفقہیہ



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی